

شجره مبارک غوث بہ الدین زریا رحمۃ اللہ علیہ

الحمد لله رب العالمين الذي خلق السموات والارض في ستة ايام وجعل
الشمس ضياء والقمر نورا وقدره منازل لتعلموا عدد السنين والحساب
كل شيء فضلنا تفصيلا وصلاة والسلام على خير خلقه محمد بن المصطفى
صلى الله تعالى عليه وسلم وعلى آله واصحابه وذوكر الاحترام منظمه دين
السلام رضوان الله تعالى عليهم اجمعين -

اما بعد يگويده افق السجاد اميد وار فضل و رحمت
قادر لم يزل بربہ در گاہ محمد افضل کہ ابا و جدا حقوق الودت صدق نبیگی
و شرف شیعہ و رگی و نیک پروردگی در خدمت اولاد قدرۃ الوارثین
عمدة العالمین مرشد الطالبین غوث السلام والحمد للہ
نبیگی حضرت بہاؤ الدین ذہریا قدس اللہ سرہ العزیز در دل


و جان این بنده نیازمند مالا مال بود - لاجرم از غلبه صدق نیت و انتقاد و اتفاق
بر اس افتاد که یک رساله از کتب مقبره و شیخ ترجمه نمود برای دنیا و نجات
آخرت و عقوبی از طریق اختیار باین ساز و بجا جوان - از سیفۃ الاولیا و از
بشکائل ترمذی و تاریخ سلوک و ذویوی و خلاصۃ الفقہ و شجره مبارک خرد و شیخ
بهاؤ الدین ذکریه قدس سره ذکر می سیوم و بیان حسب نسب حضرت خرد
شیخ بهاؤ الدین ذکریا و فرقه ارادت بدانکه خلافت ایشان از شیخ شهاب
الدین سهروردی کنیت ایشان الجوه و جرات و نام ایشان بهاؤ الدین بن
محمد غوث و در سیفۃ الاولیا نام ایشان وجه الدین نوشته است بن
کمال الدین بن ابابکر بن سلطان جلال الدین بن سلطان علی قاضی بن
شمس الدین کهر و روکی که تولد ایشان در کهر و رو بوده است بن سلطان حسین
که همراه سلطان محمود بملکین از خوارزم آمده بود بن سلطان حسین
بن سلطان بن عبد الله بن سلطان مطرف بن خنجر بن اسیر بن طهم
بن امیراج الدین که از عرب به خوارزم آمده بود بن اسیر عیاض بن عبد الرحیم
بن عبد الرحمن بن بهار بن اسد بن شمس بن عبد المناف بن قصی
بن کلاب بن مره بن کعب بن لوی بن مالک بن فهر بن مالک بن

تا احوال ما محصور است و تا قیامت قائم خواهد بود خصوصاً تاریخ تولد مبارک
بیت بتاریخ تولد غوث اعظم - و از بحر قدم آمد به عالم یعنی پانصد و شصت
و پنج میشود تاریخ وفات آنحضرت رحمة الله علیه میشود - بیت از تاریخ
وفات غوث پیرم - ز عاشق و صادق آمد در نسیم - بدانکه حضرت
مقدم شیخ بهاء الدین ذکر یا - هفت فرزند داشت فرزند اول خدا
شیخ صدر الدین عارف بالله فرزند دوم مولانا فروغ الدین
فرزند سوم مولانا شمس الدین - فرزند چهارم مولانا شهاب الدین
فرزند پنجم مولانا علاء الدین فرزند ششم مولانا براء الدین فرزند
هفتم مولانا ضیاء الدین و حضرت صدر الدین عارف بالله کیفیت
الایشان ابوالعالم و خلف رشید پدر بزرگوار بود جانشین صاحب
سجاده مرید پدر خود شیخ بهاء الدین ذکر یا بودند و ششده سال
بادشاد مریدان و ملائک خود اشتغال داشتند و چندین
از شاخ متاخرین از مریدان ایشان صاحب کمال بوده اند
پس شیخ جمال الدین المعروف جمال درویش در آنجا مبارک
و نشیخ صلاح الدین مردی و شیخ عماد الدین در آنجا حصار

نصرت بن دلق قریشی از بطرین کنانه ملقب شده است و والده و حیده
ایشان حضرت بی بی فاطمه زهرا بنت شیخ علی بن عبد الطیف بن شیخ محمد
بن شیخ عبد الله بن شیخ احمد بن شیخ معمر بن شیخ ابوالفضل
بن شیخ الاسلام محبوب بجائی غوث الهمدانی شیخ عبد القادر میلانی
قدس سره حضرت شیخ بیا و الدین زکریا فرقه و خلعت از پیر خود
شیخ الیشور شیخ شهاب الدین سهروردی پویشده اند و ایشان از غم
خود شیخ بو نجیب سهروردی و ایشان از غم خود شیخ و صبه الدین محمد و
ایشان از پدر خود محمد بن عبد الله المعروف بعمویه تا آخره بالا نوشته
است از آن معلوم میشود و ولادت حضرت مخدوم شیخ بیا و الدین
زکریا در قلعه کوک کمر و رشتب جمعه بوقت صبح بیست و هفتم ماه رمضان
سال ۵۵۶ هجری و شمس ۵۵۶ هجری بوده است و وفات ایشان روز
پنجشنبه بیستم ماه صفر بوده و قال لعلمهم هم روز سه سال
شمس ۵۵۶ هجری و مدت عمر شریف ایشان کلیه سال بوده است
و دفن ایشان در بلده ملتان اندرون قلعه جهنت در الامان
ملتان در مقبره ملکان که در خمین و میات خود بنا فرموده اند

و از هر یاری از مریدان ایشان در سال بالعد و سهفتاد و چهارمیری
 و نجات ایشان در روز شنبه و بقوی روز چهارشنبه بمیت
 سیوم ماه ذی الحجه ششصد و سهفتاد و چهارمیری بمیت عمر شریف
 ایشان یکصد و ده سال و قبر مبارک متصل قبر پدر بزرگوار
 خود در ضلعه شرقی و اقصایست و شیخ صدر الدین عارف بالله ^{رحمه} فرزند
 داشت فرزند اول محمد دم رکن الدین ابوالفتح فیض الله کنیت
 ایشان ابوالفتح و لقب فیض اله و نام مبارک رکن الدین فرزند
 دوم اسماعیل شهید و ایشان را شهید از آن گویند که کج
 خاں بلغار در سلطان میر سلطان محمد تافت آورد که برای پناه
 جان خود در خدمت حضرت شیخ اسماعیل عرض داشت نمود حضرت
 شیخ فرمود که ای سلطان محمد بلائی تو بر خود نگزینم پس در همان
 جنگ شهید شدند فرزند سیوم شیخ ^{رحمه} الدین در طفولیت بر حق
 حق پیوست و حضرت محمد دم شیخ رکن الدین ابوالفتح فیض الله
 قدس سره فرزند رشید پدر بزرگوار خود حضرت شیخ صدر الدین
 عارف بالله بودند و در پنجاه سال بر سجاده پدر خود و جد بزرگوار خود

نشسته تا در بارشاد در میان دلمان راه حق و طریق مستقیم گزینند
 اند مناقب ایشان و سرالعارفین و جامع العالوم مفصل نوشته
 اند - تولد ایشان روز جمعه بیست و هفتم ماه مبارک رمضان شصت و
 سال و نیمه و سیفت بحیری و مدت حیات شریف ایشان هشتاد
 و هشت سال بودند - وفات ایشان هفتم ماه جمادی الاول سال سیفت
 صد و سی و پنج هجری بود - چنانچه عزیز من در زبان هندوی در تاریخ وفات
 ایشان یکا بیت گفته - بیت ست بسی پنجه سیانت متعین ماه
 جمادی الاول - چوتان سنبل و یکی جادون لیتا شاه چلوی
 و نام مبارک ایشان در طوبت شاه چلوت و شیرگیونید - ذکر
 صریان حمید و نسب والده مستوره معصومه حضرت شاه
 رکن عالم بدانکه حضرت بی بی راستی پاک دامن و والده و نیز
 حضرت شاه رکن عالم بزرگده است - و نام پدر ایشان سلطان
 عبدالرحمن المعروف بنیح جمال الدین فغانه بن سلطان عبدالرحیم
 بن سلطان عبدالخالق بن سلطان عبدالرزاق بن سلطان
 عبدالحمید بن سلطان عبدالاحد بن سلطان تادر درین

سلطان عبدالعزیز بن سلطان عبدالستار بن سلطان عبدالغنی
بن عبدالملک بن حضرت عثمان عفان رضی اللہ عنہ و شیخ جلال الدین قزلباشی
چون از ولایت و املت کرامت دریافتہ بود کہ بز شکم جاجزہ
من قلب پیہ انخواہ شد۔ لاجرم شکم قمت اجوز جالانائی
نزیارت حضرت قدوة الامم و صلین بنیدگی حضرت مخدوم شیخ بہاول
الدین ذکریا در ملتان رسید در ہر منزل مقام در راہ وارد می شود
چاہ کو کندیدہ و افلاک نموده و لغت مو فرمودند۔ عاقبت الامیر یک
چاہ از وقف مذکور تا حال ساین روضہ مستور مطہر حضرت بابا
راستی پاکداسن لطف غربی جانی است۔ و سخت معمولہ است۔
کہ ہر کس از خلفا و مریدان از کنار آب شور ککرا لہ بیکر و غیرہ از
تورمات سہندہ بذیارت می دیشد و طواف روضات تقدسات
می کنند۔ چاہ مذکور نسل نمایندہ  پویشانی خود می شنوند
تا سکہ شب در طواف روضات مبارک گزرا نمایند و بویں مولا خود می روند
در روضہ متورہ حضرت جانی راستی پاکداسن مقامی پیغمبر است۔ و بسیار
از اولیاء مکمل در آنجا جردہ اند۔ و مقام شریک است۔ و بسیار

مفوتر می گویند در اقدمت بکره آنرا در زبان ملتانی بوده گویند

از قبر سری که مشتمل بر نوشت و داشت - روینده است و شیخ جمال الدین

فرمانه را در محواف کعبه مبارک اتفاقاً با حضرت صدر الدین ملازمت

میسر میشد - و معلوم کرد که قطب الاقطاب از صلت شیخ الحق

صدر الدین عارف بالله پیدا خواهد شد - پیر سید که توکیتی و از

کجائی و چه نام داری شیخ صدر الدین فرمود که نام من صدر الدین است

و مولد ملتان - شیخ جمال الدین فرمود که حضرت شیخ بهاؤ الدین را امیدانی

گفت ولد من است پس خود را بشرف حضرت مخدوم شیخ بهاؤ الدین

زکریا قدس سره مشرف ساخته عافیه معصومه خود را در عقد نکاح

حضرت شیخ صدر الدین عارف بالله منعقد نمود - زناات کرده داده و خود

لبطن مالهوفه مولد رخصت شد - و گفت من این عافیه را ملتان

زناات نمودم - روز تریست مسلمان میجویم - و نجات برائی راستی

پاک دامن علیه الرحمة صفتیم ماه رجب واقع شد - تمت بالفریه

فرزند دوم شیخ صدر الدین عارف بالله شیخ عماد الدین المعروف شیخ

اسماعیل شهید - بن شیخ صدر الدین عارف بالله نام النشان

شیخ صدرالدین حاجی پورده است. و شیخ صدرالدین حاجی نیز یک
فرزند داشت که نام ایشان رکن الدین اسماعیل کفرندی پورده است
و شیخ رکن الدین نیز یک فرزند داشت که نام ایشان شیخ عمادالدین
کنی پور و شیخ عمادالدین کنی پور شش فرزند داشت و فرزند
اول یوسف شاه و فرزند دوم شیخ صدرالدین صمیم صاحب سمیاده
مالا ولد. فرزند سوم خواجه غلیل فرزند چهارم میاں فتح اللہ انیس
یک فرزند داشت میاں الہ بخش لاولد. فرزند پنجم میاں شہاب الدین
و از ایشان دو فرزند. یک میاں ضیاء الدین لاولد. دوم میاں
سراج الدین حاجی از ایشان دو فرزند یکی غلیل الہ دوم میاں
حبیب اللہ ششم فرزند میاں منجد لاولد پورده است. ذکر
اولاد شیخ یوسف بن عماد الدین کنی پور. بداند شیخ یوسف بن
بن شیخ عماد الدین کنی پور چهار فرزند داشت یکی شہاب الدین
دو دہلی دوم شیخ شہد الہ و سکنی سوم میاں نعمت اللہ
لاولد. چہارم شیخ یحییٰ از ایشان یک فرزند درخت بریان
الدین اسماعیل صاحب سماد. فرزند ہم میاں سلطان الدین

شاه عبداللہ کہ در دہلی اسودہ اند چہار فرزند داشت - یکی شاہ نصر اللہ - دوم میان
 رکن الدین - سوم میان محمود شاہ ذکر اولاد شاہ عبداللہ بعد از ذکر شیخ شہر اللہ چہ
 بیان کردہ خواہ شد - ذکر در میان اولاد شیخ شہر اللہ بہر حصہ منارات روضات مقدسات
 تصرف دارند - بد آنکہ شیخ شہر اللہ بن یوسف شاہ سہ فرزند داشت - اول شیخ بہا الدین
 دوم شیخ صدر الدین سوم شیخ اسماعیل - بد آنکہ شیخ بہا الدین - بن شیخ شہر اللہ
 دو فرزند داشت یکی یوسف شاہ المعروف لال عین قتال کہ دہلی حکم حضرت شیخ
 بہا الدین ذکر یا قدس سرہ در خطہ کوٹ کرور مولد حضرت مخدوم بہا الدین
 ذکر یا بودہ است - و مدفن شیخ و بہا الدین المعروف شیخ محمد غوث کہ والد حضرت
 مخدوم شیخ قدس سرہ ولد شیخ کمال الدین شاہ بن شیخ ابابکر بن سلطان
 عبداللہ بن سلطان علی بن شیخ شمس الدین بن سلطان حسین کہ خوارزم
 کوٹ کرور آمدہ متوطن شدہ بود - و شیخ لال عین قتال نیز در کوٹ
 کرور سکونت اختیار کردہ و قبور مبارک ایشان نیز در کوٹ کرور است
 و مقبرہ ایشان در کوٹا مجب مقام بہر فیض و با سیرکت است
 حال اولاد لال عین قتال در اینجا سکونت دارند - و منارات مقامات
 متصرف میباشند - بد آنکہ لال عین قتال سہ فرزند دارد یکی میان محمد شاہ

الاولاد دوم میاں حامد شاہ الاولاد سوم میاں محمود شاہ صاحب اولاد۔
 ذکر اولاد ایشان بعد از ذکر اولاد شیخ کبیر علیہ الرحمۃ بیان خواہند
 - فرزند شیخ کبیر بن شیخ بہاؤ الدین بن شیخ بہاؤ الدین بن شیخ شہر الہ
 رحمۃ الہ علیہ۔ بداند کہ شیخ کبیر علیہ الرحمۃ مکلان بن شیخ بہاؤ الدین بن
 شیخ شہر الہ سے فرزند دانت اول شیخ شہر الہ دوم شیخ فتح محمد
 سوم شیخ محمد قائم صاحب سجادہ و منقول است کہ فرزند مکلان شیخ کبیر
 شیخ شہر الہ ہوئے است۔

اسباب سید مریدان بہر در رفتہ بعد ایشان وفات شیخ
 کبیر وفات شد و شیخ فتح محمد دستار سجادگی و جالائینی پیر بزرگوار خود
 شیخ محمد قائم وادہ چوں شیخ شہر الہ از سفر باز آمد۔ بعد از تعزیت
 وفات حوائی مناقشہ و خصومت و دستار سجادگی جالائینی پیر خود
 در پیش کرد و مقام تہ اللہ سجادگی و جالائینی بہر شیخ محمد قائم اند۔ تا حال
 بہر اولاد شیخ محمد قائم مستقیم۔ و در فرار است و نفقت و سرپرست
 از جانب چپ و راست در مکر بہروری انراں اند است۔ ذکر چہارم در بیان اولاد
 شیخ محمد قائم سجادہ نشین و اولاد شیخ فتح محمد و اولاد شیخ شہر الہ منسل

نوشته می شود - و الله ولي التوفيق - بدانکه شیخ محمد قاسم سجاده نشین دو فرزند داشت
 اول شیخ کبیر دوم شیخ شمس الدین محبوب حقانی لا ولد بوده است لیکن در مناقب
 احوال ایشان قدرت نوشته می شود که در عسل بادشاهی شاه جهان حیات بودند
 و بر رویه شاه جهانی کلمه طیب لا اله الا الله محمد رسول الله و اسم اصحاب اصحاب
 کرام آنکه لصدق ابوبکر و عدل عمر و بارز و عثمان ملکی سربیک طرف رویه
 سکوک و منقوش می شد طرف دوم بر رویه نام بادشاه جهان
 ابوظفر محی الدین محمد صاحب قرآن ثانی بادشاه غازی منقوش می شد شاه
~~محبوب حقانی به سبب استماع حروف قرآن مجید وضو می نمودند~~
~~ابوبکر و عمر و عثمان و علی و فاطمه و حمزه و جعفر و محمد و اسم اصحاب کرام و بر رویه و وضو می نمودند~~
 بلکه بنظر خود نمی دیدند و اگر شخص به تلاوت قرآن مجید حرفی می خواند و بسی
 مبارک ایشان سمع می شد خود از سبب استماع حروف قرآن مجید
 وضو می نمودند و اگر بر باغ مانده از حروف اسم الله می پاشند چنان دم
 تجدید وضو می کردند - در حوالی ایشان مشکها پر آب موجود بودند در لحظه غمی
 از آب نمی شدند اندکی بیان کردم و الله بسیار مناقب ایشان سبب ذکر
 اولاد خودم شیخ کبیر ثانی بن شیخ محمد قائم علیه الرحمة و الغفران - بدانکه شیخ محمد
 کبیر ثانی پنج فرزند داشت - اول شیخ بهادر الدین از ایشان یک فرزند

(۱۳)
قائم الدین المعروف قائم شاه لا ولد سکه بلکه یک غلام پرورش نموده بود تا هنگام
حین و میات محل خود در ملتان گذرانید عاقبت به امر بی مقام در تار شد
فرزند دوم شیخ ضیاء الدین - فرزند سوم شیخ محمد زمان - فرزند چهارم و چهارمین
و از ایشان یک فرزند میاں درایه در عین جوانی وفات یافته فرزند پنجم
شیخ محمد باقر کلاں - ذکر در بیان اولاد شیخ محمد زمان بن شیخ کبیر ثانی -
بداند شیخ محمد زمان بن شیخ کبیر ثانی یک فرزند داشت که ذکر در بیان اولاد
غوث الملک محمد دوم شیخ محمد غوث، سجاده نشین و از ایشان دو فرزند - اول شیخ محمد
بیاء الدین ثانی المعروف بهادل شاه دوم شاه محمد زمان المعروف میاں بهادر
مخدوم الملک شیخ بیاء الدین ثانی سه فرزند داشت یکی میاں محمد قائم در
مفعولیت فوت شده المعروف لال شاه دوم غوث الملک محمد دوم شیخ محمد
سجاده نشین - سوم ولایت شاه رز محمد دوم محمد غوث یک فرزند یوسف
در مفعولیت فوت شده - از میاں و لایه شاه دو فرزند یکی میاں
پیر شاه المعروف شیخ بهادر شاه ثانی سجاده نشین - دوم میاں محمد زمان
المعروف میاں بان شاه - ذکر اولاد شیخ بیاء الدین محمد بن شیخ کبیر ثانی
بداند بیاء الدین محمد بن شیخ کبیر ثانی دو فرزند داشت - یکی شیخ محمد

ذکر یا دوم شیخ عماد الدین محمد از شیخ محمد شاه ذکر یا یک فرزند پیر کبیر - و از
 ایشان یک فرزند میان عین شاه و از شیخ عماد الدین محمد سه فرزند یکی قیاد الدین
 محمد و از ایشان یک فرزند شیخ شهاب الدین المعروف نور شاه در جوانی فوت شده دوم
 شیخ محمود شاه از ایشان یک فرزند میان منگایا شاه اسید و از اولاد بسیار سوم شیخ
 شیخ محمد باقر - از ایشان یک فرزند شیخ رکن الدین و از ایشان یک فرزند میان عماد الدین
 محمد انشا الله تعالی اولاد بسیار - ذکر اولاد شیخ فتح محمد بن شیخ کبیر کلال انصه که یک فرزند
 داشت شیخ صدر الدین محمد صاحب اولاد - بدو که شیخ صدر الدین محمد بن شیخ فتح که چهار
 فرزند داشت - یکی شیخ عبد الباقی دوم شیخ اسماعیل شهید سوم شیخ شهاب الدین
 چهارم شیخ شمس الدین لا ولد - ذکر اولاد شیخ عبد الباقی بن شیخ صدر الدین محمد بن شیخ
 صدر الدین محمد سه فرزند داشت - یکی شیخ فتح محمد دوم میان عبد الرحیم سوم محمد حکیم
 و از شیخ فتح محمد یک فرزند عنایت شاه مکی و از میان عبد الرحیم چهار فرزند یکی میان
 برادر شاه دوم میان ولایت شاه سوم میان مسلم شاه چهارم محمود شاه هر
 نورگی فوت شده - و از میان بهاون شاه یک محمود شاه دوم میان فتح شاه سوم
 میان علی شاه و از میان جیون شاه یک میان جادو شاه و از میان سرد شاه
 یک فرزند ابراهیم شاه و از ایشان میان صدر الدین محمد و از ایشان کسر شاه -

سه فرزند یکی میان اله بخش دوم حسن شاه سوم غیاث عثمان شاه و از میان
بیادر شاه چهار شاه یک فرزند میان خورشاه و از میان ولایت شاه دوم دو
فرزند میان کریم شاه و میان بیادر شاه و از میان بیادر شاه بیست و یک فرزند یکی میان
بیادر شاه دوم میان جیون شاه سوم میان گلد شاه و از میان حکیم ذکر اولاد
شیخ اسماعیل بن شیخ صدر الدین محمد بداند شیخ اسماعیل بن شیخ صدر الدین محمد
بن شیخ فتح محمد سه فرزند داشت یکی شیخ قدر الدین دوم برهان الدین محمد سوم
شیخ شمس الدین و شیخ صدر الدین محمد بن اسماعیل سه فرزند داشت یکی میان
شرف الدین دوم میان فیض الدین سوم مکنو شاه در طفلی فوت شد و از میان
شرف الدین سه فرزند داشت یکی شرف شاه دوم میان صدر الدین سوم میان
سیف الدین چهارم میان مام الدین میان فیض الدین شاه بن شیخ صدر الدین محمد
یک فرزند داشت میان فتح شاه از ایشان بداند شیخ برهان الدین محمد بن شیخ
اسماعیل پنج شیخ صدر الدین محمد یک فرزند داشت میان عالم شاه و از ایشان
دو فرزند داشت یکی میان برهان الدین محمد و از ایشان میان نور شاه دوم میان
عین شاه - ذکر اولاد شیخ شمس الدین - ذکر بن شیخ اسماعیل بن شیخ صدر الدین محمد
بداند شیخ شمس الدین بن شیخ اسماعیل بن شیخ صدر الدین محمد سه فرزند داشت

یکی میاں سراج الدین دوم میاں قائم الدین محمد دلاور سیوم شمس الدین و از میاں سراج الدین
 محمد دو فرزند یکی میاں ناصر شاه دوم میاں مهر شاه و از اشیان میاں قائم الدین ذکر
 بیان اولاد شیخ نجف الدین سردار الدین محمد دو فرزند داشت یکی شیخ قلی الدین و هم
 شیخ عنایت الله دلاور شیخ نجف الدین محمد بن شیخ قلی الدین پنج فرزند داشت یکی میاں
 نجف الدین محمد المعروف میاں گل شاه دوم میاں ناصر شاه سوم میاں سلطان شاه
 چهارم میاں محمد عارف دلاور پنجم میاں شیخ الاسلام بن شیخ قلی الدین محمد شریف
 فرزند داشت یکی میاں رکن الدین محمد دوم میاں شرف الدین محمد سیوم میاں
 قلی الدین محمد چهارم میاں گل شاه پنجم میاں ناصر شاه - از میاں رکن الدین محمد
 بن شیخ الاسلام یکی میاں پسر شاه دوم میاں سلطان شاه و از میاں شرف الدین محمد
 بن شیخ الاسلام یکی میاں نصرت شاه دوم میاں ناصر شاه سوم میاں محمد شاه
 شاه چهارم میاں داند شاه و میاں محمد زمان بنیوانند و از میاں قلی الدین
 محمد بن شیخ الاسلام یکی میاں بن شاه فوت شده دوم میاں شیخ الدین در طفلی
 فوت شده و از میاں گل شاه و از میاں ناصر شاه محمد بن شاه دوم میوه شاه در
 طفلی فوت شده - ذکر اولاد آفرین الدین بن شیخ محمد الله بن شیخ کبیر کد
 یک فرزند داشت دو فرزند داشت یکی میاں شیخ محمد دوم میاں شیخ کبیر محمد

و شیخ محمد آفرید الدین بن شیخ شمس الدین یک فرزند داشت میاں شیخ شمس الدین

و از ایشان دو فرزند یکی شیخ محمد المعروف میاں بیو بی لاولد دوم میاں آفرید الدین

و از ایشان میاں شیخ حاجی مهر و میاں شیخ کبیر آفرید الدین دو فرزند داشت یکی

میاں الهادی دوم میاں میان الله و از ایشان سه فرزند یک میاں غلام شاه

دوم حیدر شاه لاولد سوم میاں فاکم شاه لاولد و از میاں غلام شاه شیخ

الیه یار سه فرزند یک میاں بیو بن شاه در لعلی فوت شاه دوم میاں عاشقی

شاه سوم میاں فاضل شاه و از میاں عاشقی شاه بن غلام شاه دو فرزند

یک میاں کبیر بخش دوم میاں و از میاں فاضل شاه بن غلام شاه

یک فرزند و کرد و فرزند بیو بن شیخ محمد الدین کمر - بد اند فرزند بیو بن

شیخ محمد الدین کمر دو فرزند داشت یکی میاں مونک شاه دوم میاں محمد الله

و میاں مونک شاه بن طوبی خلیس سه فرزند داشت یکی میاں ابوالحسن المعروف

میاں محمد بن محمد میاں رکن الدین المعروف میاں محمود سوم میاں خندان

و میاں شهاب الدین بن مونک شاه چهار فرزند داشت یکی میاں بیو دوم

میاں عبد الله سوم میاں سیدان یک فرزند داشت میاں محمد شاه چهارم میاں

شاه جمال و میاں رحیم الدین بن میاں مونک شاه دو فرزند داشت

یکے میاں السد وایا دوم میاں جمال الدین محمود و میاں عبداللہ میاں شہاب الدین بیچ فرزند داشت
یکے میاں ہاشم علی دوم میاں محمد حسین چہارم میاں بوجہ پنجم میاں اللہ دہ واز
میاں ہاشم علی یکے فرزند داشت میاں سلیم واز الیشاں میاں مصطفیٰ او میاں شاہ جمال بن
میاں شہاب الدین محمود میاں مونگہ شاہ فرزند داشت یکے میاں عبدالغنی لا ولد دوم
میاں عبدالشکور سوم میاں عبدالغفور چہارم میاں عبدالود و پنجم میاں عبدالحجید
وازمیاں عبدالشکور میاں شاہ جمال یکے فرزند داشت میاں غلام حسین واز الیشاں
میاں شاہ جمال از میاں عبدالغفور بن شاہ جمال سے فرزند داشت یکے میاں عبدالثانی
دوم میاں فیض اللہ سوم میاں عبداللہ المعروف میاں شاہ جمال دو فرزند داشت یکے میاں
غلام محمد المعروف میاں مراد شاہ دوم میاں رحمت اللہ واز میاں عبدالحجید المعروف میاں شہ
بن شاہ جمال چار فرزند داشت میاں سائیں لا ولد و میاں عبدالعزیز لا ولد و میاں عبدالعزیز
و میاں عبدالخاق لا ولد واز میاں عبدالعزیز بن عبدالحجید سے فرزند داشت یکے میاں
محمد شریف دوم میاں محمد لطیف سوم میاں محمد طریف لا ولد واز میاں محمد شریف سے فرزند
داشت یکے میاں محمد طریف لا ولد دوم میاں محمد طریف لا ولد سوم میاں لطیف اللہ صاحب
لا ولد میاں شاہ جمال دوم میاں غلام حسین بن عبدالشکور دو فرزند داشت یکے میاں
عبدالشکور واز الیشاں میاں راجہ شاہ واز الیشاں شاہ جمال دوم میاں گل شیر واز الیشاں

بیست و نهم ماه جمادی الاول هشتصد و هشتاد و سه ۹۸۳ و نوات شیخ برهان الدین
 اسماعیل شرب جمعه غره شبینه ذی القعدة سال هشتصد و نود و نود و است ۹۹۲ و نوات شیخ
 شهر الله شرب شبینه بیست سوم شهر ذی الحجه نه صد و بیست ۹۲۰ و نوات شیخ بهاء الدین
 شرب پنجشنبه و دوازدهم ماه ربیع الاول نهصد و پنجاه و نود و سه ۹۵۰ و نوات شیخ
 کبر روز شبینه بیست و هشتم جمادی الثانی سال نهصد و پنجاه و پنج بوده ۹۵۵
 و نوات محمد تاسم بیست و چهارم شهر شعبان سال ۹۱۰ و نوات شیخ کبیر بیست و هفتم
 شهر شعبان روز سال یک هزار و پنجاه ۱۰۵۳ و نوات شیخ بهاء الدین نهم
 جمادی الثانی سال یک هزار و نود و نود و سه ۱۰۹۰ و نوات شیخ محمد تاسم وقت صبح
 بیست و سوم ماه ذی الحجه سال یک هزار و نود و چهار ۱۰۹۴ و نوات شیخ وجه الدین
 و نوات شیخ محمد زکریا و نوات محمد غوث بن محمد بھاول شاه سیوم ماه مبارک رمضان
 ۱۱۸۰ و نوات برادر محمد غوث میان ولادت شاه بیت و هشتم رمضان المبارک
 روز شبینه و نوات و گیر ۱۱۸۹ به تمام شد.

ذکر شایخاں چهارده خانواده مفصل بیان کرده شد مد آنکه چهار پیر و چهارده خانواده
 از شیخ حسن ابصری بظهور آمده اند پیش ازین بزرگان سند پیری و مریدی و رزانی
 شیخ حسن ابصری پیدا شد خواجہ مود و چستی در کتاب حجة السالکین خود آورده

صحبت داشتند بابام محمد باقر و ایشان صحبت داشت بابام زین العابدین و ایشان صحبت داشتند
 بابام حسین و ایشان صحبت داشتند بابا پدر خود با حضرت علی مرتضیٰ رضی الله عنهما و ایشان صحبت
 با حضرت محمد مصطفیٰ صلی الله علیه و سلم ناما آنچہ شیخ معروف میر سید شیخ سید داؤد
 طائی و ایشان صحبت داشتند با حبیب علم و ایشان صحبت داشتند شیخ حسن لہری
 و ایشان صحبت داشتند با حضرت علی کرم الله وجہہ و ایشان صحبت داشتند با حضرت
 محمد صلی الله علیه و سلم و علی آل طیبین و الطاہرین و اصحابہ و سلم بر حجتک یا الحرمین
 ذکر وفات شیخ بہاؤ الدین زکریا شب جمعه وقت صبح بیت ہفتم ماہ رمضان
 المبارک سال شش صد و شصت و شصت ہجری ۴۶۶ وفات حضرت خدوم شیخ
 صدر الدین عارف باللہ روز چہار شنبہ بیت سوم شہر ذالحجہ سال شش صد
 و شصت و چہار ہجری ۴۶۴ وفات شیخ رکن الدین ابو الفتح فیض اللہ
 بمجموعہ ہفتم شہر حجابی الاول سال ہفت صد و یک پنجم ہجری ۴۳۵ وفات
 شیخ عماد الدین اسماعیل شہید روز شہر ہجری گنگال وفات حاجی الحرمین
 شیخ صدر الدین حاجی سال ہفت صد و شصت و شصت ہجری ۴۶۶ وفات
 شیخ رکن الدین اسماعیل سمرقندی سال ہفت صد و یک ششم وفات
 شیخ عماد الدین وفات شیخ صدر الدین حلیم شب شہد وقت غروب

میاں غلام حسین و میاں لطف اللہ دو فرزند داشت یکے میاں محمد شاہ از انشاں میاں
 بدین شاہ دوم میاں حسن شاہ از انشاں دو فرزند یکے میاں فرید در طے فوت شده
 دوم میاں عاقل شاہ از انشاں یک فرزند میاں ثلث شاہ
 ذکر اولاد میاں شاہ عبداللہ بن یوسف شاہ کہ در دہلی سکونت نموده اند بدانکہ شاہ عبداللہ
 بن یوسف شاہ چار فرزند داشت یکے میاں کن الدین دوم لہر اللہ شاہ سوم احمد شاہ
 چہارم محمود شاہ میاں کن دین شاہ بن عبداللہ شش فرزند داشت یکے فرزند شیخ فتح اللہ
 دوم میاں شہاب الدین سوم میاں شیخ محمد چہارم میاں اسمعیل پنجم شیخ نجفی ششم میاں
 شیخ الاسلام و میاں شاہ لہر اللہ بن شاہ عبداللہ یکے فرزند شیخ نکہا از انشاں میاں عماد الدین
 میاں محمود شاہ بن شاہ عبداللہ فرزند داشت یکے میاں خواجہ حلیل دوم میاں عبداللہ
 سوم میاں کبر محمد و از انشاں میاں عبداللہ و میاں احمد شاہ بن شاہ عبداللہ فرزند داشت
 یکے میاں غازی دوم میاں حاجی سوم میاں عماد الدین میاں شیخ فتح دین بن میاں
 رکن الدین چہار فرزند داشت یکے شیخ شہر اللہ دوم میاں محمد سوم میاں بن غرور و از انشاں
 حاتم الدین و میاں شہاب الدین بن میاں کن دین محمد فرزند داشت یکے میاں سراج الدین
 دوم میاں یوسف شاہ سوم میاں عثمان و میاں شیخ محمد بن رکن دین چار فرزند داشت
 یکے شیخ محمد کبریہ دوم میاں ابوالقاسم سوم میاں عماد الدین چہارم میاں بیگلربیگ و از انشاں

دو فرزند یکے فلانم الدین و از ایشان میاں تاج محمد دوم میاں عبدالسلام المعروف میاں عبداللہ بن
 اسماعیل بن میاں مبارک دیں یکے فرزند داشت میاں عبدالکیم و میاں عبدالسلام بن
 میاں طیب چار فرزند داشت یکے میاں شمس دوم میاں غلام علی سوم میاں رکن الدین
 چہارم میاں عبداللہ از میاں رکن دین دو فرزند داشت یکے میاں عبدالرسول دوم میاں
 عبدالسلام و میاں شاہ عبداللہ دو فرزند داشت یکے میاں طیب المعروف میاں سادو
 میاں شاہ غلام محمد بن شاہ عبدالقادر بن شہاب الدین بن شاہ زمان بن شاہ
 حسام الدین بن شاہ فتح اللہ بن شاہ رکن الدین بن شاہ عبداللہ بن شاہ یوسف بن

شیخ عباد الدین :

ذکر شد شیخ شہر اللہ بن یوسف شاہ شیخ عباد الدین محمد شیخ شہر اللہ بن یوسف شاہ
 سے فرزند داشت یکے شیخ بہاؤ الدین زکریا اولاد و ایشان مفصل بالذو ثلثہ شد دوم
 شیخ صدر الدین سوم شیخ اسماعیل کہ حال بیان کردہ می شود شیخ صدر الدین بن شیخ
 شہر اللہ بن یوسف شاہ سے فرزند داشت یکے ابابکر دوم علی شہر سوم شمس الدین
 و ابابکر بن شیخ صدر الدین بیچ فرزند داشت یکے میاں عباد الدین دوم میاں شہاب الدین
 سوم قطب الدین چہارم میاں برکات الدین پنجم میاں فتح محمد و از ایشان میاں پیر خواجہ
 علی شاہ سے فرزند داشت یکے میاں عالم شاہ دوم میاں محمد حسین سوم میاں

ابن شاہ چہار فرزند داشت یکے میاں محمد شاہ دوم شیخ کالا سم فرزند داشت یکے
 میاں بیوان شاہ دوم نبی شاہ سوم خوں شاہ و میاں ابن شاہ بن پیر خواجہ چہار فرزند
 داشت یکے متحن از انیشاں جیون شاہ دوم دالم شاہ از انیشاں گل شاہ و محمد مقیم
 سوم فتح محمد از انیشاں محبوب شاہ و فضل شاہ چہارم خاکی شاہ و جوں شاہ بن عبد الرحمن
 دو فرزند داشت یکے عارف شاہ دوم محب شاہ و حسین شاہ بن پیر خواجہ دو فرزند
 داشت یکے میاں شہر اللہ دوم کرم اللہ شہر اللہ بن محمد حسین یکے فرزند داشت یکے
 جمال شاہ از انیشاں شش فرزند یکے میاں ناروق دوم میاں عبد الرسول سوم
 محمد مفیط چہارم شیخ کبیر پنجم شیخ محمد ششم رکن الدین کرم اللہ و محمد حسین
 دو فرزند داشت یکے بدھ شاہ دوم میاں اللہ دین و از میاں بدھ شاہ یکے میاں
 غلام بیاؤ الدین دوم غلام شہاب الدین سوم غلام صدر الدین و از علی محمد بن کرم اللہ
 چہار فرزند داشت یکے میاں اللہ دہ از انیشاں یکے علی اکبر دوم شیخ احمد صدر الدین
 سوم رکن الدین چہارم پیر خواجہ :

تذکرہ اولاد شیخ اسماعیل بن شہر الدین یوسف شاہ بدائلہ شیخ اسماعیل بن شیخ
 شہر اللہ پنجم فرزند داشت یکے میاں عبد اللہ دوم میاں محمد شاہ سوم میاں شہاب الدین
 چہارم میاں محمد نوکتر پنجم رکن الدین و میاں شہاب الدین و شیخ اسماعیل دو فرزند داشت

یکے سراج الدین دوم عبدالرحیم و دو فرزند داشت یکے شہاب الدین المعروف راجے شاہ میاں
 شہاب الدین چار فرزند داشت یکے شیخ علی دوم فتح چہرہ از الیشاں میاں مصری از الیشاں
 میاں دیاسوم میاں ضیا الدین چہارم نذر چہرہ و شیخ عالی بن شیخ شہاب الدین پنج فرزند
 داشت یکے شاہ سلیمان دوم میاں جمیل سوم میاں سمانیہ چہارم عبدالسلام پنجم عبدالہادی
 و شاہ سلیمان بن عالی چار فرزند داشت یکے میاں سکھن لہا دوم میاں سلطان المعروف
 شہاب الدین سوم میاں پارسیم چہارم بدایت اللہ لاولد الیشاں سکونت دارند ؛
 ذکر اولاد یوسف المعروف لال عین قتال بن شیخ بہا و الدین بن شیخ شہر اللہ
 فرزند داشت یکے احمد شاہ دوم حامد شاہ سوم محمد شاہ از الیشاں یکے فرزند علی اکبر بن
 محمد شاہ کہ فرزند داشت یکے شاہ عبداللہ دوم یوسف شاہ سوم ہون شاہ از الیشاں
 دو فرزند یکے شاہ اسماعیل دوم میاں چہرہ شاہ و یوسف شاہ یکے فرزند داشت
 میاں فیض اللہ شاہ از الیشاں و دو فرزند داشت یکے میاں علی اکبر دوم میاں
 ولی داد و میاں شاہ اسماعیل چہار فرزند داشت یکے میاں غریب شاہ دوم میاں
 عنایت سوم میاں ولایت شاہ چہارم میاں امین شاہ و میاں محمد شاہ یکے
 فرزند داشت یکے میاں شینہ چہرہ علی اکبر ؛
 ذکر اولاد شیخ صدر الدین عارف باللہ نوشتہ است بعد ذکر اولاد بہادران

ایشان نوشته شد ذکر اولاد مولانا قدوة الدین شیخ بہاؤ الدین ذکریا قدس سرہ
 بدانکہ مولانا قدوة الدین بن شیخ بہاؤ الدین ذکریا سہ فرزند داشت یکے شیخ عدو الدین
 عدلہ دوم لہر الدین سوم مولانا نور الدین و شیخ عدو الدین عدلہ یکے فرزند داشت
 شیخ موسیٰ و شیخ لہر الدین سہم یکے فرزند داشت شیخ صدر الدین و از ایشان شیخ
 فیض اللہ و مولانا نور الدین سہ فرزند داشت یکے میاں نجیب دوم بہاؤ الدین
 سوم عبدالرحمن و شیخ موسیٰ بن عدلہ عدو الدین دو فرزند داشت یکے میاں
 داؤد دوم میاں ابوالقاسم و میاں داؤد بن شیخ موسیٰ دو فرزند داشت یکے میاں
 عبدالمومن دوم شیخ محمد و میاں ابوالقاسم بن شیخ موسیٰ سہ فرزند داشت یکے میاں
 بُدھا دوم میاں جلال الدین سوم میاں قدوة الدین و میاں شیخ محمد بن میاں
 داؤد پنجم فرزند داشت یکے میاں ادریس دوم میاں شیخ رکھا سوم میاں شیخ نکھا
 چہارم لہر اللہ پنجم میاں حبیب اللہ و میاں جلال الدین بن ابوالقاسم سہ فرزند
 داشت یکے میاں یوسف المعروف شیخہ دوم ابوطالب سوم میاں و
 میاں قدوة الدین یکے فرزند داشت میاں نجم الدین و از ایشان دو فرزند یکے کرم محمد
 دوم میاں نوح بن و از ایشان یکے فرزند میاں نجم الدین و از ایشان یکے فرزند
 میاں فیض اللہ و از ایشان میاں عبداللہ و از ایشان عبدالرزاق میاں اللہ و

پیش از بن در شجره نوشته اند ذکر اولاد مولانا شمس الدین بن شیخ بہاؤ الدین
زرکریا چار فرزند داشت یکے مولانا نور الدین دوم مولانا عبد الغفار سوم مولانا بہاؤ الدین
چہارم مولانا کن الدین و بہاؤ الدین بن شمس الدین پنج فرزند داشت یکے مولانا
قدوة الدین دوم ابو الحسن سوم قمر حسین بن شیخ موسیٰ پنجم مولانا محمد ادریس و مولانا
قمر حسین بن بہاؤ الدین چہارم فرزند داشت یکے عمر شاہ دوم عبد الرزاق سوم میاں عیسیٰ
چہارم عبد الوہاب از انبیاں یکے فرزند داشت شیخ ابو الفتح و شیخ موسیٰ بن شریف
بہاؤ الدین و فرزند داشت یکے مولانا شمس الدین و از انبیاں میاں فیض اللہ
و از انبیاں میاں جوہر شاہ و از انبیاں بہاؤ الدین و از انبیاں ابو الفتح دوم بہاؤ الدین
و محمد ادریس یکے فرزند داشت شیخ ابراہیم فرزند داشت یکے مبارک شاہ
دوم عبد الرحیم فیض اللہ و از انبیاں و فرزند داشت پیر شاہ و سائیں دتہ ولد الدین
بن شمس الدین بن شیخ بہاؤ الدین زرکریا قدس سرہ و فرزند داشت یکے حاجی مسعود
و از انبیاں یکے فرزند محبوب نامہ دوم میاں عیسیٰ و میاں محبوب پیر شاہ بن حاجی
مسعود چار فرزند داشت یکے شیخ عیسیٰ دوم شیخ رضی الدین سوم عبد الدین چہارم
ابا بکر شاہ و شیخ عیسیٰ بن محبوب شاہ فرزند داشت یکے لہر الدین دوم
میاں نور الدین و از انبیاں عبد الجلیل و از انبیاں ابو الفتح و رضی الدین بن محبوب شاہ

دو فرزند داشت یکے دهرین شاه دوم پرن شاه و از انیاں محبوب شاه و محبوب شاه

سه فرزند داشت یکے بهاد الدین و لشمند منشی اکبر باو بعد و از انیاں میاں حیدر شاه

و از انیاں منصور دوم میاں صاحب جیو سوم میاں حسن جیو ذکر اولاد شهاب الدین

بن بهاد الدین زکریا یک فرزند داشت قطب الدین از انیاں دو فرزند یکے میاں

چچو شاه و از انیاں فیض اللہ دوم عطا اللہ از انیاں سه فرزند یکے میاں نعمت اللہ دوم میاں

خون شاه سوم ابوالریکات از انیاں یک فرزند گوهر شاه از انیاں دو فرزند یکے سمش الدین

دوم آرزو شهید و آرزو شهید و فرزند یکے دولت علی دوم فتح مهر از انیاں میاں

آرزو و از انیاں عبدالکیرم سه فرزند داشت یکے شیخ عثمان دوم آرزو سوم

ناله سوم نعمت اللہ ذکر در بیان اولاد مولانا علاء الدین بن شیخ بهاد الدین ذکر یا علاء الدین سر در اولاد

یک فرزند داشت جلال الدین مهر و از انیاں ابوالخیر از انیاں ابوالقاسم از انیاں

حضرت شاه سه فرزند داشت یکے شیخ موسی یک فرزند داشت عبداللہ شاه المعروف

و کمن شاه و از انیاں سه فرزند یکے ابابکر شاه و شیخ سکها سوم مهر شاه از

انیاں یک فرزند معین الدین و از انیاں ابوالقاسم تحت التمت بالخرتایں قدر

ذکر اولاد انیاں در درخت که شجره خوانندیم رسیده که نوشته است شد

و ذکر اولاد میرزا بن الدین و ضیاء الدین ابن دو فرزند بهاد الدین زکریا و عطا اللہ بنده است

تمت بالحق شجره سجاد نشین که با خائف مریدان قدوة الاولیاء حضرت مخدوم شیخ

بهاؤ الدین زکریا نوشته و منهد - ایس است و کفن میت مریدان می نمایند

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي فضلى الانبياء بالمعجزات وكرم الاولياء بالكرامات واول

العباده بكثرت العبادات يا على الدرجات والصلوات والسلام على

سيد الفانيات ومقصود المواهب احمر حجب حجر حصي اسلم

وسلم الطيبات واصحابه ذوالبركات اما فيقول الحيد المفتقر الى

الفخر الوفاة مخدوم شيخ بهاؤ الدین ثانی قریشی کہ پوشانند

من برادر دینی و محبت یقینی نلدن و نلدن بن نلدن وفقه الدلعالی برکات مراد

الدین و انتائی سنن سید المرسلین خرقه مشام صونیار که پوشیدم من مخم خود

شیخ الاسلام و مسلمین مخدوم شیخ و مرغونث قریشی و او پوشیده خرقه را از پدر

خود مخدوم شیخ و مرغونث و مرغونث قریشی پوشیده خرقه از علم زاده

خود مخدوم شیخ و مرغونث قریشی پوشیده خرقه از علم زاده خود شیخ و مرغونث

شیخ کبیر قریشی پوشیده خرقه از برادر خود شیخ و مرغونث قریشی پوشیده

پوشیده خرقه از پدر خود شیخ الاسلام و مسلمین شیخ بهاؤ الدین ثانی

قریشی الیثاں خرقه را از پدر خود شیخ الاسلام و مسلمین شیخ محمد تائم قریشی الیثاں پوشیده
 خرقه را از پدر خود شیخ الاسلام و مسلمین شیخ منیر قریشی الیثاں پوشیده خرقه را از پدر خود
 شیخ الاسلام و مسلمین شیخ ببا و الدین قریشی الیثاں پوشیده خرقه را از پدر خود شیخ
 الاسلام و مسلمین صاحب وجود تقوی شیخ شهاب الدین قریشی و الیثاں خرقه را
 پوشیده از برادر زاد خود شیخ الاسلام و مسلمین قدوة العارین شیخ برهان الدین
 اسماعیل بن شیخ یحیی قریشی و الیثاں پوشیده خرقه را از جد نبرگوار خود شیخ یوسف
 قریشی و الیثاں پوشیده خرقه را از شیخ عماد الدین قریشی کسی بهر و الیثاں پوشیده
 خرقه را از پدر خود شیخ الاسلام و مسلمین شیخ رکن الدین اسماعیل سمرقندی
 قریشی و الیثاں پوشیده خرقه را از پدر خود شیخ الاسلام و مسلمین حاجی الحرمین
 اشریفین شیخ صدر الدین و الیثاں پوشیده خرقه را از دو جانب از پدر خود
 شیخ الاسلام و مسلمین شیخ عماد الدین اسماعیل شهید قریشی دوم از
 علم خود شیخ الاسلام و مسلمین مفتاح العلوم حق الیقین مخدوم رکن الدین
 و ابوالفتح فیض الدین قریشی و الیثاں پوشیده خرقه را از پدر خود شیخ الاسلام
 و مسلمین قدوة العارین مخدوم شیخ صدر الدین عارف بالله قریشی
 و الیثاں پوشیده خرقه را از پدر خود شیخ الاسلام و مسلمین

عمدة المجتهدین وادب النیاء والمرسلین مخدوم شیخ بہاؤ الدین زکریا قریشی قدس سرہ
والیثاں پوشیدہ فرقہ را از شیخ پیر خود شیخ الشیوخ شیخ بہاؤ الدین رحمہ اللہ
برادر علی الیثاں پوشیدہ فرقہ را از عم خود شیخ ضیاء الدین ابوالحبیب ابوالقاسم
سہروردی الیثاں پوشیدہ فرقہ را از عم خود شیخ وجہ الدین ابوالحفص
عمر بن عبد اللہ سہروردی الیثاں پوشیدہ فرقہ را از پدر خود شیخ عبد اللہ المعروف
بعمویہ الیثاں پوشیدہ فرقہ را از شیخ اخئی فرخ زنجانی دوست یکے ازین دو
بزرگوار شرکت داشت ویکہ برادر فرقہ نانا فرقہ را پوشیدہ از شیخ احمد امجد
علو بنوی والیثاں پوشیدہ فرقہ را از سید الطائفہ شیخ ابوالقاسم جنید لنگدوی
و از طرف دوم پوشیدہ فرقہ را از شیخ اخئی فرخ زنجانی والیثاں پوشیدہ فرقہ را
از ابوالقاسم ثناء وندی والیثاں پوشیدہ فرقہ را از شیخ عبد اللہ حفص والیثاں
پوشیدہ فرقہ را از شیخ محمد والیثاں پوشیدہ فرقہ را از شیخ ابوالقاسم جنید لنگدوی
و شیخ جنید لنگدوی صحبت داشت بخوان خود شیخ سری سقایی الیثاں
صحبت داشت با شیخ معروف سرقی والیثاں صحبت داشت با امام علی خورما
ریاض والیثاں والیثاں صحبت داشت شیخ کرخی والیثاں صحبت داشت
با امام علی موسیٰ رضا والیثاں صحبت داشت با امام موسیٰ کاظم والیثاں

رانے گشتند اگر کسی میل صحبت الیساں روی دروی در ارادت در خدمت
 الیساں آوردی اول حفظ قرآن مجید کردی و صلہ خیت ہمیشہ نمودی
 آن زمان در ارادت الیساں آمدی بعد از آن برگزینیل دنیا نہ کردی
 و این جانب خانہ نہ کردی و بہ شہر قریہ و الطاف نہ کردی و بکوه
 و بیابان جا گرفتے و لباس پلےس و اثر وہ پوشیدے بلکہ کوشش از برگزینیل
 بودے و طلب رزق از کسی نہ کردے اگر فتوح آمدے قبول کردے
 صرف فقراء از غریبہ نمودندے و برائے نفس خود خورے نہ کردند و الیساں
 سلیم القلب خوردہ اند اگر کسی الیساں را آوردہ از بیابان گرفتہ و با غلام
 خود کردی خدمت الوجہی اگر کسی الیساں را با فروختے دم نہ زدی و عبودتش
 اقبال نمودندے دوم خانوادہ عیاض بہ شیعہ فضل عیاض دے پیوندہ
 سیرت عیاضیاں آنکہ دائم الدورات مسافر باشد و اقامت ندارند و در
 خانہ نیائید وزن نہ کنند و خرقة پیوندی پوشیدہ ہر چہ در راہ افتادہ باشد
 غازی کنند و بر خرقة خود وصل دیند و نہ پوشند و ہر جا کہ شرب افتد بخدا
 مشغول بودہ ہما جا بیگنہ راند اگر خوردنی بوجود شود دے خوردند چوں صبح
 شود فی الحال پا بہ نہ رواں میشوند و افطار بعد از سویم روز دے کنند

کہ ہوں شیخ حسن لہری کمال صفت و پیری رسیدند فرقہ خلعت بدو کس گمانہ
از زانی فرودند یکے شیخ عبد الواحد بن زاید بن شیخ حبیب عجمی این دو کس
گمانہ روزگار و پیر بدو مار مریدان خود بودند و چارہ خانوادہ شیخ حسن لہری میرند
ہشتم خانوادہ از شیخ عبد الواحد بن زید اول زیدیاں دوم عیاضیان سوم ادہمیان
چہارم ہسریاں پنجم چستیان و نہ خانوادہ از شیخ حبیب عجمی یکے چستیان
دوم طیفوریان سوم رضیان چہارم سقہلیان پنجم حبیبیان ششم کازوین
ہفتم طوسیہاں ہشتم فردوسیہاں نہم سہروردیان پس مجموعہ چارہ خانوادہ
مے شود پس شبہ از نسبت و شمال الیثاں بشموند مدائکہ عبد اللہ بن عوف
ہشتم تن بودند مرید شیخ عبد الواحد بن زید کہ اعتقاد و عقیدت لہدق
آوردند و خود را بدو سپردند و این پنچتن بر یکے از خود فانی و بادوست باقی
و خود را در خود محو دیدند و شیخ عبد الواحد بن زید این پنچتن را خلعت دار
طریقہ الیثاں ایست کہ ہر یکہ حافظ مکرم اللہ ہوگا ندو علم کلی داشتند
و خلوت و ربایان مے نمودند قائم اللیل و صائم الدین بودند و افطار بخیوہ
کنار ماورج غل بیابان بودہ است و طریقہ ولی ایست است شب و روز
صائم بودند و ہرگز صاحب جاں را بے جاں نئے کردند چنانچہ سہتن و کثرت

و بجہا نقدی خورند اہل ریاضت و مجاہدہ بے باشندہ کے نیامینند
 و السعادت مندی تاقین و ارشاد از لہ نبدگی الی شام و شامہ باشد اول تبرید
 و ناقہ شکار خود ساز و ایل عیال را بخدا سپارد و دادے نیاز بدرگاہ
 بے نیاز آرد و تالائی شرف ارادت الی شام شود خانوادہ سیوم ادہمیان
 سلمان ابراہیم اوہم پیوند و تبرید و کنیر و گیانگی و یکدی می بواقعی گندیند
 و در سفر غرقہ حذر کر چل گوید و ہر چہ فتوح از ہر ولد است بے رسا و الی شام
 رسد بفقرا و مساکین از و دلہف می نمایند و طینل مہمان خود را و دست
 لقمہ خوردند تا امشب زندہ دارند خانوادہ چہارم سیر بہ باشین سیر بہ
 لہری پیوند حسن سیرت الی شام چہارم و شہر قریہ جانکنند و خرابہ
 بیابان باشند و کل الی شام سبہ گیاه و ثمر اشجار ضعیف و شراب از حیث
 بیابان باشند و شب و روز با و صواب باشند و فتوح بر گز قبول نہ کنند
 و گے گویند کہ نام خدا را بخدائی ہرستیم نہ برائے حیفہ ہر دار خانوادہ پنجم
 چستیم بہ شین شمشاد علو و نیوری پیوند چستیاں از شین ابو اسحاق
 چستی است و چیت مرا در زندیکے از ولد است فراساں
 شہر لیت دوم از ولد است ہندوستان در آندہ ملتان قریہ لیت

و شیخ ابو اسحاق حقی از شمام است و ایشان را ابو الاسحاق شامی میگویند
و چسپت کفر بوده است ایشان در اسلام آوردند و خواجگان پنجتن
را در چسپت خوانند اما شمم از سیرت ایشان این است که در شهر
قریه خانه بنا کنند و خلق را در موت از راه باطل بسوئے حق کنند و اهل مال
از دنیا دوری خوانند اهل دنیا الفت نگیرد و ریاضت دمی مجاهده مشحار
نمود سازند و لغت و نطق موافقت دارند و به صحبت فقرا و مسکین
خوش می باشند و اهل سمارا دوست می دارند و طعام و آب
پدرست خود با ایشان رسانند و انبیاء را بالا فتراء حاکم میدهند و خاتون
جیب منسوب به جیب عجمی است و این دو تن بودند از اصحاب عبدالکریم
بن عوف مبارک بن حمزه بن عبدالرحمن و وکم الدلرب حمزه بن حمزه
بن عبدالرحمن بن عوف بن برادر متقی و صاحب الناس بودند
و مرید جیب عجمی شدند - خلوت و عزلت اختیار کردند و خود را
جیبها گونید نسبت پدر و جد و شتر خود کردند و برادر را خدمت
دادگفت و در دامن کوه برادر برود و آنجا بخدا مشغول باشند
و آمیزش مردم نه کنند و صائم الدهر باشند از بهفت روز یک

فرما افطار کنند زیاده از سه خرمة تناول نه کنند و بامروزه قیام کرده باشند
 دوازده سال در گرد کوه را با بستقامت نجیال مشغول خوانند بود
 چست در روز اکل و شرب نه کنند و در محافل حضار نه فرمایند و فتوح
 قبول نه کنند و ده میوه دانه بیابان و گیاهی کوستان بعد است یکروز
 یکورید و کس را که داعیه ارادت و مدد زنت ایشان می شدی
 اول با نعال ندور قیام واقعت میگردند بعد از شرف ارادت
 و بیعت صحبت فیض مهمتیت و بار ارادت خدمت عالی
 در جت شرف شری خانواده دهم در طیفوریه با سلطان العارین
 بی پیوند و آن چهارتن بودند یکه شینم مسعود و موشینم محمود و سوم
 شینم ایراهیم چهارم شینم لعل و شینم مسعود و طغوریه خرقه شکر پاره
 که آنرا اتمیچیم گویند در بر کرد و شینم ایراهیم خرقه محمود خرقه
 هزار رشته که هزار خرقه مخی گویند در بر کرد و شینم ایراهیم خرقه خدمت
 پاره مربع در بر کرد و شینم احمد خرقه صوف در بر کرد هر یک یکسره
 حق نهاده بعد روز روز افطار می کردند و بیچم حلال از راه نمی دادند
 و از دنیا و اهل دنیا گریزان بودند جزو ام و دودانشس ایشان نبود